

## اهمیت استراتژیکی و نقش ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی در وحدت مسلمین

ع.ر. امیردهی

### چکیده

انسجام اسلامی را می‌توان از زوایای مختلف بررسی نمود. در این نوشتار با نگاه به ویژگی‌های استراتژیکی و اهمیت ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی، به وحدت مسلمانان اشاره می‌شود. پتانسیل موجود در مناطق مسلمان‌نشین، عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی ویژه که در اختیار مسلمانان است اگر به درستی به کار گرفته شود، بر عظمت و عزت مسلمانان افزوده و زمینه سوء استفاده دشمنان اسلام را از بین خواهد برد. با توجه به این اهداف، در این نوشتار، بدون هیچ پیش‌فرضی، به ویژگی‌های استراتژیکی کشورهای همانند نیجریه، یمن، موریتانی، گینه، قزاقستان، عمان، کامرون، ترکیه، تونس، بنگلادش، برونی، بحرین و الجزایر، اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: کشورهای اسلامی، اهمیت استراتژیکی، ژئوپلیتیک کشورهای اسلامی، انسجام اسلامی، وحدت مسلمانان.

### مقدمه

کشورهای اسلامی که دارای مناطق و عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی نادر و ویژه هستند، می‌توانند نقش ارزنده‌ای در وحدت مسلمانان ایفا کنند. به نظر می‌رسد اگر مسلمانان به ویژگی‌های استراتژیکی و اهمیت ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی بیشتر پی ببرند می‌توانند به جایگاه بلندتری از اتحاد و هماهنگی دست یابند. گرچه مفهوم انسجام اسلامی و راه‌های دستیابی به آن در کتاب‌ها و مقالات نوپدید به صورت مکرر و از زوایای گوناگون بررسی شده است، اما در میان آنها مجموعه

مطالبی که بر بعد اهمیت استراتژیکی کشورهای اسلامی تأکید کند و از این زاویه به کنکاش انسجام اسلامی بپردازد، ملاحظه نمی‌گردد؛ از این رو، جا دارد مسئله وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی از این زاویه بررسی گردد و مسلمانان از این طریق پایه‌های انسجام را محکم‌تر و عوامل و زمینه‌های تفرقه را از بین ببرند.

آنچه که در پی می‌آید، بازگویی بخشی از ویژگی‌های استراتژیکی کشورهای همانند نیجریه، یمن، موریتانی، گینه، قزاقستان، عمان، کامرون، ترکیه، تونس، بنگلادش، بروئی، بحرین و الجزایر می‌باشد، که با وجود تفاوت‌های قومی، نژادی، زبانی و فرهنگی میان آنها، نقاط مشترک فراوانی دارند که می‌تواند حلقه وصل میان همه آنها باشد.

علاوه بر اشتراک دینی، بهره‌مندی این کشورها از موقعیت‌های ویژه جغرافیایی، منابع و مواهب فراوان طبیعی می‌تواند زمینه‌های انسجام آنان را فراهم کند. البته آگاهی و هوشیاری مسلمانان در این باره نقش ویژه‌ای دارد، که البته نباید به آن اکتفا کرد بلکه باید از طریق شناسایی موارد ویژه، دشمن کینه‌جو و تفرقه‌افکن را در دستیابی به اهداف شوم خود، مأیوس کرد. با این هدف، برخی از موقعیت‌های استراتژیک بعضی از کشورهای اسلامی - که از پراکندگی جغرافیایی برخوردار بوده و به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند - بیان می‌گردد:

## نیجر

### جغرافیای سیاسی و جایگاه استراتژیکی آن

سرزمین پهناور نیجر در همسایگی کشورهای مهمی هم‌چون نیجریه، الجزایر، لیبی و در مرکز نیمه شمالی قاره آفریقا قرار گرفته که از یک سو ارتباط دهند کشورهای عرب شمال با کشورهای سیاه زیر صحرا و از سوی دیگر، پل ارتباطی بین شرق و مرکز آفریقا با غرب آن است. این ویژگی خاص جغرافیایی به جایگاه سرزمین نیجر در منطقه، اهمیت خاصی بخشیده به طوری که این کشور از دیرباز مورد نظر قدرت‌های بزرگ به خصوص فرانسه (کشور استعمار کننده آن) قرار گرفته است.

واقع شدن سرزمین نیجر در شمال کشور بزرگ و استراتژیک نیجریه که غول آفریقا لقب گرفته و قرار گرفتن آن در جنوب دو کشور مهم عربی، یعنی لیبی و الجزایر، باعث طمع‌ورزی قدرت‌های خارجی نسبت به این کشور شده است. به طور قطع، نفوذ و یا تسلط بر سرزمین نیجر، به معنای نفوذ

در کل منطقه، کنترل شمال آفریقا و کشور قدرت‌مند نیجریه می‌باشد که با توجه به جریان‌های سیاسی موجود در نیجریه و وجود منابع نفتی آن و دشمنی آمریکا با لیبی، این سرزمین جایگاه استراتژیک خاصی پیدا نموده است.

هم‌چنین وجود منابع سرشار اورانیوم، طلا، نفت، آهن، فسفات، پلاتین و غیره اهمیت این کشور را دو چندان نموده است. وجود صحراهای لم یزرع و وسیع جهت هر گونه آزمایشات هسته‌ای یا دفن زباله‌های اتمی همواره به اهمیت جایگاه سرزمین نیجر در نزد قدرت‌های بزرگ افزوده است. (علی‌بخشی، ۱۳۸۱، ص ۲۱). جمعیت حدود دوازده میلیونی نیجر با تنوع ملی، نژادی و زبانی می‌تواند با وحدت و یک‌پارچگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه آفریقا ایفا کند.

## یمن

۱- اهمیت استراتژیکی یمن در منطقه و نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و

### منابع طبیعی

یمن یکی از حاصلخیزترین مناطق شبه جزیره عربی به شمار رفته و به علت دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی و بنادر و جزایر مهم، در طول تاریخ مد نظر استعمارگران بوده و صفحات تاریخ این کشور را حوادث گوناگون پر کرده است. این کشور از لحاظ استراتژیکی دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا یمن جنوبی در بخش شمال غربی و شمال شرقی «باب‌المنذب» قرار گرفته و این تنگه بین دریای سرخ و اقیانوس هند واقع شده و نزدیک‌ترین آبراه بین شرق و غرب می‌باشد. این کشور یکی از نقاط حساس استراتژیکی مورد نظر شرق و غرب است. یمن با تسلط بر تنگه «باب‌المنذب» قادر به کنترل دریای سرخ بوده و حتی می‌تواند آن را با در اختیار داشتن جزیره مهم و استراتژیکی «بریم» ببندد. این جزیره تنگه «باب‌المنذب» را به دو بخش آبراه شرقی به نام «باب‌الاسکندر» و آبراه غربی به نام «میون» تقسیم کرده است.

وجود بعضی جزایر با ویژگی‌های استراتژیکی، بر اهمیت آنها می‌افزاید. علاوه بر جزیره «بریم»، جزیره «زقر» که در فاصله ۲۹ کیلومتری یمن قرار داشته و بلندترین نقطه آن ۶۵۲ متر از سطح دریا ارتفاع دارد، امکان کنترل و مراقبت فعالیت‌های دریایی آن نقطه را میسر می‌سازد. جزیره «کمران» نیز دارای اهمیت استراتژیکی است. هم‌چنین، جزیره «جبل‌الطیبر» به خاطر اشراف بر آبراه منطقه دارای اهمیت ویژه‌ای است. جزایر دیگری نیز وجود دارد که دارای اهمیت

استراتژیکی است. به طور کلی با توجه به موقعیت تاکتیکی و استراتژیکی این جزایر می توان از آنها برای مقاصد نظامی و جهت کنترل کشتیرانی در دریای سرخ استفاده نمود. عوامل دیگری که بر اهمیت این کشور می افزاید عبارت است از:

۱- نزدیکی این کشور به شاخ آفریقا، که در نیمه دوم قرن حاضر، کشمکش های ابرقدرت ها در این منطقه، بر حساسیت موقعیت آن افزوده است.

۲- محاصره «باب المندب» از سوی نیروهای ارتش مصر در جنگ پنج روزه سال ۱۹۶۷ یک تجربه تاریخی برای رژیم اشغالگر قدس بود؛ از این رو امنیت یمن برای آن رژیم دارای اهمیت ویژه است.

۳- امنیت یمن که از قسمت شمال با عربستان دارای مرزهای مشترک است برای عربستان سعودی از نظر تولید و صدور نفت دارای اهمیت می باشد و حمایت عربستان سعودی از سلطنت طلبان در برابر جمهوری خواهان که دولت مصر از آنها حمایت می نمود، در طول سال های ۱۹۶۲-۱۹۷۰، به علت ترس از نفوذ مصری ها در جنوب و برهم زدن آرامش منطقه بوده است.

۴- وجود سواحل طولانی در دریای سرخ و دریای عرب و نیز وجود بنادر مهمی مانند عدن، حدیده و فحاء، بر اهمیت استراتژیکی یمن افزوده است.

## ۲- اهمیت عامل انسانی

یمن با داشتن جمعیتی بیش از پانزده میلیون نفر، پرجمعیت ترین کشور شبه جزیره محسوب می شود. بیشتر مردم یمن را افراد قبایل مسلح و جنگ و جو تشکیل می دهند و از این رو دولت یمن می تواند در موارد ضروری بیش از یک میلیون نفر از نیروهای مردمی به استعداد ده لشکر را به سرعت بسیج نماید، که این مسئله برای عربستان سعودی نگران کننده است، زیرا برای او این کار به آسانی میسر نیست.

## ۳- اهمیت عامل اقتصادی

این کشور با داشتن سواحل طولانی در دریای سرخ و دریای عرب، می تواند برای سرمایه گذاری جهت صید ماهی سودمند باشد و علاوه بر این، یمن دارای منابعی است که تا کنون به علت فقر مالی

شدید و جنگ‌های طولانی با استعمارگران و نیز جنگ‌های ممتد داخلی، فرصت استفاده و بهره‌برداری از آنها را به دست نیاورده است. کشف نفت در مرزهای مشترک یمن و عربستان سعودی نیز موجب بروز درگیری‌هایی بین دو کشور شده است. دولت عربستان سعودی در صدد ضمیمه کردن مناطق نفت‌خیز یمن به خاک خود می‌باشد. وجود آثار باستانی و مناطق طبیعی بی‌نظیر در این کشور می‌تواند زمینه سرمایه‌گذاری را برای صنعت توریسم فراهم نماید.

#### ۴- اهمیت عامل فرهنگی

کشور یمن آثار باستانی و میراث فرهنگی بسیاری دارد که در قرآن مجید نیز به بعضی از آنها اشاره شده است و در سال‌های اخیر کاوشگران مشغول بیرون آوردن این آثار از زیر خاک می‌باشند. هم‌چنین وجود کتابخانه‌هایی مملو از کتاب‌های با ارزش خطی، بر اهمیت فرهنگی این کشور افزوده است. (کریملو، ۱۳۷۴، ص ۲۹-۳۱).

با توجه به موقعیت‌های ویژه، اعم از منابع طبیعی، عامل انسانی و عوامل دیگر اقتصادی و فرهنگی، شایسته است که مسلمانان یمن علاوه بر حفظ وحدت داخلی، به وحدت بیشتر با همسایگان فکر کنند و با اقتدار بیشتر، مانع نفوذ قدرت‌های بیگانه به ویژه رژیم صهیونیستی در منطقه گردند.

#### موریتانی

##### جغرافیای سیاسی و موقعیت استراتژیکی

موریتانی که نام رسمی آن جمهوری اسلامی موریتانی می‌باشد به عنوان پنجمین کشور منطقه صحرا چه از نظر وسعت و چه از نظر ترتیب به حساب می‌آید. با توجه به نقشی که موقعیت جغرافیایی و عوامل آن بر روند و شکل‌گیری سیاست خارجی یک کشور دارد می‌توان اهمیت استراتژیک موریتانی را در سه بخش بررسی نمود؛ بخش اول مربوط به موضوع عربیت موریتانی است. موریتانی به عنوان یک کشور مسلمان و مدعی عربیت، در منتهی‌الیه مرزهای کشورهای عربی در حاشیه غربی آفریقا قرار دارد. به عبارت دیگر، مرزهای جنوبی موریتانی با سنگال که یک کشور مسلمان نشین ولی غیر عرب است، محل بروز اشکالاتی برای آن کشور شده است که اختلافات موجود بین سیاهان و مورها (اعراب) در موریتانی که

به شکل محسوس نشأت گرفته از تحریکات سنگال است یکی از آن مشکلات عمده به شمار می‌رود.

کشور سنگال نیز در غرب آفریقا قرار دارد و از ناحیه شمال با کشور موریتانی همسایه است و بیشتر ساکنان آن را سیاهان تشکیل می‌دهند. دو کشور سنگال و موریتانی از نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی به هم پیوسته‌اند. اتباع دو کشور، به علت وجود مرزهای مشترک و کمبود آب و امکانات محدود، زندگی مشترک داشته و از امکانات یک‌دیگر استفاده می‌کنند.

اتباع موریتانی و سنگال در منطقه‌ای به نام «دیاوارا» جهت استفاده از رود مشترک در مرز دو کشور با یک‌دیگر نزاع و اختلاف داشته‌اند که حوادث خونینی در این مورد به وقوع پیوسته است و این حوادث خونین باعث شده که دو کشور نتوانند آن‌گونه که باید، از رودخانه سنگال و هم‌چنین پتانسیل‌های موجود دو کشور به صورت بهینه، بهره‌برداری اقتصادی نمایند.

بخش دوم اهمیت استراتژیک موریتانی مربوط به همسایگی این کشور با صحرای غربی است که به هر تقدیر مسئله‌ای گذراست و در شرایط فعلی جغرافیای موریتانی را دارای اهمیت بسیار نموده است. جمهوری دموکراتیک صحرا در مرزهای جنوبی با موریتانی همسایه است و دولت استعمارگر اسپانیا پس از خروج از صحرای غربی در حدود ۲۵ سال پیش آن سرزمین را بین مغرب و موریتانی تقسیم نمود. عدم توانایی نظامی موریتانی در حفظ این منطقه و حضور نیروهای نظامی پولیساریو با حمایت الجزایر در آن موجب شد دولت موریتانی با عقد قرارداد با مقامات صحرا استقلال آن کشور را به رسمیت بشناسد؛ ولی این واقعه بیشتر از آن‌که مورد بهره‌برداری مردم صحرا واقع شود به سود مغرب تمام شد و ادعای ارضی مغرب نسبت به صحرای غربی تا مرزهای موریتانی توسعه یافت. بندر اقتصادی و ماهی‌گیری نوادهیبو که از نظر صادرات سنگ آهن و ماهی‌گیری برای موریتانی دارای اهمیت حیاتی است در حاشیه شرقی همین شبه جزیره واقع بوده و بندرگوئرا واقع در حاشیه غربی این شبه جزیره بنا بر توافق اعلام نشده‌ای بین مغرب و موریتانی، عملاً در اختیار موریتانی بوده است. گسترش دامنه جنگ در صحرا و بروز مسئله‌ای به نام احداث دیوارهای نظامی مغرب در صحرا تا مرزهای موریتانی، در حال حاضر به مرزهای موجود بین این دو کشور اهمیت ژئوپلیتیکی بخشیده است. به عبارت دیگر، در شرایط حاضر تنها معبر باقی مانده و مؤثر برای تداوم حیات سیاسی و نظامی پولیساریو، ارتباط این جبهه با دریا از طریق همین منطقه می‌باشد.

جریان‌های مطرح شده، به موقعیت جغرافیایی موریتانی در معادلات سیاسی منطقه اهمیت ویژه بخشیده است. ترکیب جمعیتی مردم موریتانی به رغم کمی جمعیت آن کشور قابل توجه است. این جمعیت، از اعراب (مورها) و سیاهان تشکیل شده است و این دوگانگی به جهت وابستگی هر کدام از این نژادها به فرهنگ‌های عربی و آفریقایی مورد بهره‌برداری استعمار می‌باشد و مسیحیت تحت استیلای استعمار سعی می‌کند از طریق عوامل وابسته به خود، از این واقعیت موجود جهت تضعیف و تحدید جهان اسلام استفاده نماید.

بخش سوم اهمیت استراتژیک موریتانی مربوط به عضویت این کشور در مجموعه‌ای است که به مغرب عربی، شهرت یافته است. مغرب که خود را وارث حکومت اسلامی در غربی‌ترین ثغور اسلام می‌داند ابتدا با استقلال موریتانی به عنوان یک کشور مجزا مخالفت می‌نمود، ولی در عمل، پیش از استقلال موریتانی آن‌را به رسمیت شناخت. مدارکی که مغرب برای انضمام موریتانی به کشورش ارائه داد در حقیقت همان مدارکی است که مستند عضویت این کشور در مجموعه کشورهای مغرب عربی محسوب می‌شود. در سال ۱۹۸۴ به ابتکار و رهبری الجزایر قراردادی بین الجزایر و تونس به امضا رسید که بعداً موریتانی نیز به آن پیوست.

این قرارداد به اعتباری گام نخست در ایجاد مغرب بزرگ عربی محسوب می‌شود. به هر شکل، عضویت و حضور موریتانی در این منطقه و در این قرارداد این کشور را وارد معادلاتی کرد که در حال حاضر یکی از حساس‌ترین جریان‌های جاری منطقه محسوب می‌گردد. (امیرشاهی، ۱۳۷۴، ص ۹-۱۱).

چنان که ملاحظه شد، کشور مسلمان موریتانی با جایگاهی که در منطقه دارد اگر نتواند انسجام اسلامی را در داخل کشور و در بیرون با همسایگان، گسترش دهد، نه تنها خود از کاروان پیشرفت و کمال عقب می‌ماند بلکه موانعی در راه اتحاد و قدرت‌مندی کشورهای مسلمان منطقه ایجاد خواهد کرد. آیا وقت آن نرسیده که مسلمانان با درک واقعیت‌های موجود، به توافق و زندگی مسالمت‌آمیز روی آورند؟

## گینه

جمهوری گینه مستعمره سابق فرانسه (۱۸۹۸-۱۹۵۸)، نخستین کشور منطقه آفریقای حاره فرانسه زبان بود که در دوم اکتبر ۱۹۵۸م. با «نه گفتن» به فراندنم پیشنهادی دوگل به استقلال دست

یافت و در واقع جزء پیش‌فراوان استقلال آفریقا است. دین رسمی مردم گینه اسلام است و اکثریت قاطع مردم از آیین فقهی مالکی تبعیت می‌کنند. آمارهای رسمی حدود ۹۵٪ جمعیت را مسلمان می‌داند، ولی تحقیقات محلی و شواهد نشان می‌دهد که حدود ۹۸٪ جمعیت مسلمان هستند. (مسائلی، ۱۳۷۴، ص ۳۵).

### اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

هر چند جمهوری گینه کشور کوچکی است و به لحاظ سیاست‌های گذشته تقریباً در انزوای بین‌المللی نیز بوده است، ولی به دلیل وجود برخی استعدادهای طبیعی و بروز تحولات جدید در منطقه غرب آفریقا، جایگاهی نسبتاً استراتژیک یافته است. مهم‌ترین ابعاد موقعیت استراتژیک این کشور می‌تواند در چند محور عمده تقسیم‌بندی شود:

#### ۱- موقعیت جغرافیایی

گینه با کشورهای گینه بیسائو، سنگال، مالی، ساحل عاج، لیبیا و سیرالئون همسایه است. بنابراین بروز هر گونه تحول در هر یک از این کشورها نمی‌تواند فاقد تأثیر بر کشورهای دیگر باشد. همان‌گونه که بحران جاری سیرالئون و لیبیا به گونه‌ای نزدیک و انکارناپذیر با موقعیت این کشور پیوند خورده است. عموم تحلیل‌گران مسائل منطقه معتقدند به لحاظ محوریت جغرافیایی گینه در میان کشورهای منطقه غرب آفریقا چنانچه تحولات هر یک از این دو کشور بحرانی به سود شورشیان تمام شود آثار حاصل از آن از گینه فراتر رفته و کشورهای دیگر همسایه را به نوعی بی‌ثباتی خواهد کشاند.

حدود سیصد کیلومتر مرز آبی با اقیانوس اطلس علاوه بر این‌که کشور گینه را از ذخایر آبی سرشاری برخوردار نموده و پای کشورهای دیگر، حتی پاره‌ای از کشورهای آسیایی، را به قصد صید به این منطقه باز نموده، حکم گذرگاهی را یافته است که از طریق آن بخشی از کالاهای وارداتی کشورهای محروم از دسترسی به دریای آزاد، از طریق آن تأمین می‌شود.

شبکه آبی گسترده و وجود رودهای بزرگ و پر آبی مانند رود نیجر، رود گامبی، سنگال و فاتالا ظرفیت بالقوه بالایی به این کشور بخشیده است. طبیعتاً ایجاد هر مانعی در مسیر جریان آب این‌گونه رودها، آثار منفی زیان‌باری برای چهارده کشور غرب آفریقا خواهد داشت که این شبکه آبی بزرگ به آنها جلوه حیات و فعالیت اقتصادی می‌بخشد.



## ۲- موقعیت اقتصادی

وجود ذخایر بزرگ زیرزمینی به ویژه بوکسیت و آهن و همچنین ذخایر گران‌بهای مانند الماس و طلا که بیش از نیم قرن است پای کشورهای خارجی را جهت استخراج آن به این کشور باز نموده است، مهم‌ترین عامل در تمایل سیاسی کشورهای با نفوذ به ویژه فرانسه جهت حفظ ثبات و جلوگیری از بروز ناآرامی در این کشور می‌باشد. طبیعتاً کشوری که حدود یک سوم ذخایر بوکسیت جهان را، آن هم با بالاترین کیفیت، در خود جای داده است، چهره استراتژیک ملموس‌تری دارد، به ویژه هنگامی که با کیفیت‌ترین ذخایر آهن و دیگر فلزات گران‌بها را نیز در انحصار خود داشته باشد.

## ۳- موقعیت فرهنگی

مهم‌ترین شاخصه فرهنگی گینه وجود اکثریت قاطع جمعیت مسلمان این کشور است. علاوه بر آن، وابستگی عمیق مردم به فرهنگ دینی خود عملاً با سرنوشت تاریخی کشور عجین می‌باشد. تعیین تاریخ و تکوین کشور گینه، با مبارزات اعتقادی و جهاد پیش‌قراولان مسلمان علیه کفار که ساکنین اولیه سرزمین گینه بوده‌اند ارتباط می‌یابد. همچنین، مبارزات گسترده مسلمانان گینه علیه استعمار فرانسه جزء ارکان اصلی تاریخ فرهنگی سیاسی این کشور تلقی می‌شود.

امروزه گینه یکی از پایگاه‌های مهم و ناشناخته اسلام در آفریقا است و قدرت خود را در مقابله با جریان‌های مخالف اسلام به نمایش گذاشته است.

## ۴- موقعیت سیاسی

هر چند گینه با همسایگان غربی و شمالی خود مشکل خاصی نداشته است، اما رابطه آن با کشور مقتدر شرقی، یعنی ساحل عاج، که از مهم‌ترین پایگاه‌های فرانسه در غرب آفریقا می‌باشد، همواره تیره بوده و رهبران دو کشور (دست‌کم تا قبل از مرگ هوفت بوئی رئیس جمهوری ساحل عاج) در مسائل سیاسی، با یک‌دیگر نوعی ستیز و مقابله داشته‌اند. دامنه این ستیز تا جایی است که از طریق بحران لیبیا آنها را به طور رسمی به رویارویی با یک‌دیگر کشانده است. شارل تیلور از سوی ساحل عاج تقویت و حمایت می‌شود و الحاج کور، وزیر اطلاعات ساموئل دوکه، با تشکیل یولیمو که یکی از

پایه‌های اصلی نیروهای متخاصم لیبریا را تشکیل داده و دارای گرایش‌های اسلامی است، مورد حمایت گینه است.

دولت گینه از آغاز بروز بحران در لیبریا و سپس در سیرالئون همواره نقش فعالی را در جهت حل بحران به ویژه از طریق جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا ایفا نموده است. نیروهای نظامی گینه با عضویت در اکوموگ نه تنها حضوری تقریباً ثابت در لیبریا دارند، بلکه در پس راندن شورشیان سیرالئون نیز دولت والتین استروسز را یاری می‌نمایند. در جهت همین سیاست کلی «تلاش برای حل بحران و استقرار صلح و آرامش» است که رهبری گینه از یک سو نقش فعال و مثبتی در نشست‌ها و گفت‌وگوهای کشورهای غرب آفریقا داشته و از سوی دیگر، کوناکری گذرگاه سفرها و مرکزیتی برای گفت‌وگوهای نمایندگان کشورهای منطقه شده است. (مسائل، پیشین، ص ۳۱-۳۳).  
گینه، با موضع‌گیری‌های نسبتاً قابل قبول، توانسته است در جهت استقرار صلح و هم‌دلی میان کشورهای منطقه نقش مثبتی ایفا نماید. البته تداوم آن، می‌تواند جایگاه این کشور را در منطقه مستحکم نموده و موقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ویژه‌ای را برای آن فراهم نماید.

## قزاقستان

جمهوری قزاقستان در بخش میانی قاره اروپا - آسیا و شمال آسیای مرکزی و در سواحل شرقی دریای خزر تا مرز جمهوری خلق چین قرار دارد. قزاق‌ها مسلمان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی بوده و در قلمرو مرکز روحانی آسیای میانه و قزاقستان قرار دارند.

### اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

جمهوری قزاقستان به علت وجود منابع سرشار زیرزمینی، به خصوص نفت و گاز و موقعیت استراتژیک و ممتاز، در بین کشورهای منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است. وسعت زیاد سرزمین، داشتن مرزهای طولانی با دو قدرت بزرگ منطقه، یعنی روسیه و جمهوری خلق چین، و داشتن بیش از ۲۳۲۰ کیلومتر ساحل در بخش شرقی و شمالی دریای خزر از ویژگی‌های خاص این جمهوری به شمار می‌رود. این جمهوری به عنوان پل ارتباطی بین آسیای مرکز، اروپا و شرق آسیا، نقش قابل ملاحظه‌ای در صحنه روابط بین الملل ایفا می‌نماید.

این کشور پس از استقلال، با توجه به میراث اتمی شوروی سابق و با در اختیار داشتن بیش از ۱۸۰۰ کلاهک اتمی یک‌باره به عنوان چهارمین قدرت هسته‌ای جهان مطرح گردید. هر چند پس از پیوستن به پیمان استارت و نیز پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به تدریج از جرگه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای خارج شد، ولی باز با در اختیار داشتن پایگاه‌های فضایی بایکونور (محل پرتاب سفینه‌ها و فضاپیماهای بزرگ و سرنشین‌دار شوروی سابق و مهم‌ترین پایگاه فضایی در زمان حکومت شوروی) که هنوز هم محل اختلاف آلمانی و مسکو می‌باشد و داشتن ذخایر بزرگ اورانیوم، هم‌چنان می‌تواند به عنوان یک قدرت هسته‌ای در منطقه مطرح باشد.

### نقش تعیین‌کننده هریک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

وسعت خاک قزاقستان که بزرگ‌ترین کشور در میان جمهوری‌های شوروی سابق بعد از روسیه می‌باشد، داشتن وسیع‌ترین ساحل در دریای خزر، وجود منابع متنوع و غنی معدن هم‌چون نفت، گاز، اورانیوم، طلا و زغال سنگ، و موقعیت خاص جغرافیایی، توجه بسیاری از کشورها به خصوص دولت‌های منطقه را برای ایجاد روابط هر چه بیشتر با این کشور و سرمایه‌گذاری در آن جلب نموده است، به طوری که از همان ابتدای استقلال، سیل سرمایه‌گذاران غربی به این کشور سرازیر شده است و این روند با توجه به تحکیم موقعیت و ثبات سیاسی این کشور، رو به افزایش است.

باتوجه به رقابت و تنش‌های تاریخی و عمیق غرب، به خصوص آمریکا، با روسیه و چین که در حال حاضر به جنگ تجاری و اقتصادی تبدیل گردیده است، جمهوری قزاقستان برای سرمایه‌گذاران غربی یک امتیاز برجسته و یک موقعیت ویژه و برتر محسوب می‌گردد. (ابوالحسنی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۲).

اگر موقعیت به وجود آمده برای قزاقستان در منطقه به خوبی مورد بهره‌برداری مسلمانان قرار گیرد و جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده شوروی سابق با هم‌دلی و همکاری بیشتر به فکر پیشرفت و ترقی مردم مسلمان باشند و از اغواهای شیطانی قدرت‌های بزرگ بر حذر باشند، آینده‌ای روشن در پیش روی مردم منطقه قابل تصور خواهد بود.

## عمان

### ۱. اهمیت استراتژیک کشور عمان در منطقه

اهمیت استراتژیکی کشور «سلطنت‌نشین عمان»، علاوه بر وجود شبه جزیره «مسندم» و کرانه‌های جنوبی تنگه هرمز، مربوط به موقعیت ویژه این کشور در غرب اقیانوس هند است. عمان دارای جزایر استراتژیک زیادی در طول سواحل خود می‌باشد که مهم‌ترین آنها جزیره بزرگ «مصیره» و جزایر «کوریا و موریا» است. شبه جزیره «مسندم» بر تنگه هرمز و خطوط کشتیرانی بین‌المللی در این ناحیه مسلط بوده و یکی از نقاط حساس و سوق الجیشی جهان به حساب می‌آید. این منطقه از سلسله کوه‌های سخت و قله‌های تیز و بلند تشکیل یافته که بلندترین نقطه آن بالغ بر ۱۸۰۰ متر می‌باشد.

حاکمیت دولت عمان بر بخش جنوبی تنگه هرمز، این کشور را از نظر استراتژیکی در شرایط ویژه‌ای قرار می‌دهد که اهمیت آن برای همه کشورهای منطقه و حتی برای کشورهای خارجی که به نحوی به نفت و بازارهای منطقه خلیج فارس وابستگی دارند، انکارناپذیر است. به همین جهت آمریکا در این منطقه دارای پایگاه و امکانات وسیعی است و عملاً بر این آبراه بین‌المللی نظارت دارد. جزیره «مصیره» نیز که در قسمت جنوب شرقی شبه جزیره عربستان در مقابل ساحل عمان قرار دارد موقعیت سوق‌الجیشی بسیار مهمی داشته و از دیرباز پایگاه نظامی انگلیس بوده است. طبیعت جغرافیایی این جزیره که از زمین شنی و سنگلاخی تشکیل شده است، به تأسیس فرودگاهی مهم در آن کمک می‌کند. نیروی هوایی انگلیس در سال ۱۹۵۸ در قسمت شمالی آن پایگاهی تأسیس نمود. این جزیره از سال ۱۹۷۵ تحت نفوذ آمریکا درآمد و نیروهای «واکنش سریع» از آن استفاده می‌کنند.

جزایر «کوریا و موریا» در نزدیکی کرانه‌های شمال شرقی ظفار در دریای عرب واقع شده است. این جزایر در سال ۱۹۷۶ با انجام همه‌پرسی از ساکنین جزایر و تمایل آنها، به سلطان عمان واگذار گردید، اما یمن جنوبی (سابق) از ادعای مالکیت بر آن دست برداشت.

### ۲. نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

موقعیت کوهستانی بخش جنوبی تنگه هرمز امکان دفاع بهتر از این کشور را برای دولت عمان فراهم می‌نماید. به علاوه، در باریک‌ترین قسمت جنوب شبه جزیره «مسندم» که در حدود

یک کیلومتر پهنا دارد، می‌توان با حفر کانالی، با خلیج فارس و دریای عمان ارتباط دریایی برقرار کرد و در صورت اجرای چنین طرحی، از اهمیت تنگه هرمز، برای حمل و نقل دریایی خلیج فارس به شدت کاسته خواهد شد و دولت عمان از این نظر نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای به دست خواهد آورد.

همچنین وجود تمام بنادر عمان در دریای عمان و عرب که به دور از اغتشاش‌های درون خلیج فارس قرار دارد برای این کشور امتیازی محسوب می‌شود و امکان دارد کشورهای جنوبی خلیج فارس به صادرات نفت خود از طریق بنادر عمان به وسیله احداث خط لوله تشویق شوند که در این صورت از اهمیت خلیج فارس نیز کاسته خواهد شد.

گرچه بخش جنوبی تنگه هرمز جمعیت چندانی ندارد و بیشتر، نیروهای دولتی در آن مستقر هستند، ولی همین گسیختگی سرزمین و دو بخش بودن قلمرو عمان می‌تواند در حفظ تمامیت ارضی کشور اشکال ایجاد کند. به هر صورت، فقدان راه زمینی مستقل بین سرزمین اصلی عمان و شبه جزیره مسندم در صورت بروز بحران می‌تواند مانعی بر سر راه اعمال حاکمیت مطلقه رژیم عمان بر این بخش از کشور باشد. به علاوه، به خاطر همین جدایی سرزمین، چنانچه در شرایط خاص، قدرت‌های خارجی حاکمیت عمان را بر بخش جنوبی تنگه هرمز به مصلحت خود ندانند به راحتی می‌توانند وسیله جدا شدن این بخش را از سرزمین عمان فراهم آورند، به خصوص در صورتی که رژیمی مخالف با منافع این قدرت‌ها در این کشور زمام امور را به دست گیرد.

خشکی سرزمین و کمبود منابع آبی از عواملی است که باعث ضعف اقتصادی عمان و وابستگی آن از نظر غذایی به خارج شده است. (یگانه، ۱۳۷۴، ص ۱۳-۱۴).

با این وصف، عمان به عنوان یک کشور اسلامی می‌تواند در راستای همکاری با کشورهای مسلمان منطقه تلاش نموده و موقعیت استراتژیکی مسلمانان را افزایش دهد و با وحدت و تعامل بیشتر با همسایگان، از نفوذ قدرت‌های بیگانه در منطقه بکاهد.

## کامرون

### اهمیت استراتژیک کشور در منطقه و جهان

جمهوری کامرون از جمله کشورهای واقع در منطقه غرب آفریقا است که در مقایسه با دیگر

کشورهای این منطقه دارای ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی است. اخبار منتشره در مورد کامرون از تلاش مقامات این کشور در اتخاذ موضع صلح طلبی و دوری از مناقشات منطقه‌ای حکایت دارد که حاصل آن امنیتی است که شرایط را برای فعالیتهای سیاسی و اقتصادی، به ویژه در بخش سرمایه‌گذاری خارجی آماده نموده است. برگزاری موفقیت آمیز اجلاس سران فرانسه - آفریقا در یانونده در ژانویه ۲۰۰۱ نیز نشان‌دهنده امنیت و توانمندی سیاسی این کشور در قاره آفریقا می‌باشد.

هم‌چنین عضویت کامرون در سازمان کنفرانس اسلامی، شورای امنیت سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر نشان‌دهنده جایگاه ویژه این کشور به عنوان یکی از کشورهای مطرح در بعد منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. کامرون از جمله کشورهای تولیدکننده نفت نیز می‌باشد. لازم به ذکر است که بندر دوآلا به عنوان مرکز اقتصادی این کشور، محلی آشنا برای بازرگانان خارجی بوده و با داشتن زیرساخت‌های مناسب اقتصادی، نقش مهمی در تجارت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایفا می‌کند.

بندر دوآلا که دارای زیرساخت‌های لازم در حمل و نقل و ترانزیت کالا بوده و یکی از مهم‌ترین بنادر غرب آفریقا محسوب می‌شود، برای کشورهایی همچون آفریقای مرکزی و چاد که در خشکی محصور هستند، دارای اهمیت است. (ملکی، ص ۸۷)

## تونس

### جغرافیای سیاسی

تونس به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود در شمال آفریقا، نقش مهمی را در سیاست کلی آفریقا و کشورهای عربی بر عهده دارد. این سرزمین کوچک از یک سو در جناح راست کشورهای عرب قرار داشته و جزء میانه‌روها محسوب می‌شود و مخالف نظریات افراطی پاره‌ای از کشورهای عربی می‌باشد، و از سوی دیگر، یک کشور آفریقایی و از اعضای سازمان وحدت آفریقا، کنفرانس اسلامی، غیرمتعهدها و هم‌چنین عضو اتحادیه مغرب عربی بوده و تلاش می‌کند با ممالک این قاره روابط حسنه داشته باشد و به علت قرار گرفتن در حوزه دریای مدیترانه، در معادلات این منطقه وارد می‌گردد. هم‌چنین، به علت موقعیت خاص جغرافیایی و نزدیکی با ایتالیا، در جهت عبور لوله‌های گاز از الجزایر به آن کشور دارای موقعیت ترانزیتی مطلوبی است.

تونس از نظر وسعت، کشور کوچکی است، که با مساحت ۱۶۴۱۵۰ کیلومتر مربع یکی از کشورهای آفریقای شمالی را تشکیل می‌دهد.

این کشور از نظر موقعیت سوق الجیشی و ژئوپلتیک در منطقه حساسی از جهان واقع شده است. تونس در شمال آفریقا در ساحل جنوبی دریای مدیترانه قرار گرفته و از نظر تجاری و بازرگانی دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. به طور کلی، آفریقای شمالی به لحاظ موقعیت جغرافیایی آن از گذشته مورد طمع قدرت‌های وقت بوده است؛ راه دریایی دریای مدیترانه باعث شده که قدرت‌های استعماری سعی کنند برای استحکام سلطه خویش بر این منطقه، از جمله کشور تونس، از یک‌دیگر سبقت بگیرند. بنابراین، بیشترین اهمیت ژئوپلتیک تونس مربوط به موقعیت آن در جنوب دریای مدیترانه می‌باشد.

دریای مدیترانه از گذشته تاکنون از اهمیت فوق‌العاده استراتژیک برخوردار بوده است. امروزه دریای مدیترانه و به خصوص غرب آن، برای کشورهای بزرگی چون آمریکا و فرانسه و به درجات پایین‌تری، برای اسپانیا دارای اهمیت ویژه ژئوپلتیک است. دریای مدیترانه سه قاره و دو اقیانوس را به هم پیوند داده و یکی از مهم‌ترین دریاهای جهان شناخته می‌شود که علاوه بر تراکم جمعیت و وجود فرهنگ‌ها و نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی پیرامون آن، با بهره‌گیری از حدود ۱۱۲۰۰ کیلومتر ساحل، تبدیل به نظامی‌ترین منطقه دنیا شده است و امروزه قوای دریایی چند کشور صنعتی مانند آمریکا، انگلستان و ایتالیا در آن حضور دائمی دارند. دریای مدیترانه، جلوه‌گاه رقابت شرق و غرب و تقابل ممالک صنعتی بوده و به دلیل اهمیت آن، پایتخت همه کشورهای این منطقه در ساحل آن ایجاد شده است. در قرن نوزدهم، مدیترانه ویژگی خاصی برای مبادلات بین‌المللی امپراطوری انگلیس داشت و در عصر حاضر نیز منافع قدرت‌های بزرگ، مدیترانه را به دریایی بین‌المللی تبدیل کرده است؛ بنابراین کشورهای سواحل دریای مدیترانه نیز از اهمیت استراتژیک و ژئوپلتیک فراوانی برخوردار می‌باشند.

واقع شدن تونس در ساحل این دریا سبب گردید که بنادر بنزرت و حلق الوادی و شهر بندری تونس اهمیت بسیار یابند. وجود این بنادر، از یک سو بر اهمیت این کشور از نظر ایجاد ارتباط با کشورهای اروپایی شمال دریای مدیترانه، یعنی ایتالیا، اسپانیا و فرانسه می‌افزاید و از سویی دیگر، برقراری روابط بین این کشور و دیگر کشورها را در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری تسهیل می‌کند. هم‌چنین، این مسئله نفوذ فرهنگ غربی را در این کشور فراهم آورده است.

تونس گرچه در مقام مقایسه با کشورهای آفریقایی، از نظر وسعت، سی و چهارمین کشور قاره آفریقا به حساب می‌آید، اما به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک آن مورد توجه خاص قدرت‌ها می‌باشد، به گونه‌ای که ژول فری نخست وزیر اسبق فرانسه از تونس به عنوان «کلید خانه فرانسویان» یاد می‌کند. (امیرشاهی، پیشین، ص ۱۵-۱۶).

در چنین موقعیتی جا دارد دیگر کشورهای اسلامی، به ویژه همسایگان تونس، ارتباط صمیمانه‌ای با یکدیگر و به ویژه با تونس داشته باشند تا با درک حساسیت و اهمیت جغرافیای سیاسی خود، به رشد اقتصادی و سیاسی منطقه کمک نموده و قدرت‌های غربی را در بهره‌وری رایگان از موقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه ناکام گذارند.

## ترکیه

### جغرافیای سیاسی

این کشور که امروز با نام جمهوری ترکیه شناخته می‌شود، در گذشته آسیای صغیر نامیده می‌شد. نوع حکومت ترکیه جمهوری پارلمانی و پایتخت آن شهر آنکارا می‌باشد که در قسمت آسیای ترکیه قرار گرفته است. از نظر تقسیمات سیاسی، ترکیه دارای ۸۲ استان می‌باشد که چهار استان در ترکیه اروپا و بقیه در ترکیه آسیا واقع شده است. شاید بتوان ترکیه را از معدود کشورهای خاورمیانه دانست که نه تنها مشکل آب ندارد، بلکه در صدد صدور آن نیز می‌باشد.

### اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

اهمیت استراتژیک ترکیه را می‌توان از چند جهت بررسی نمود:

الف) ترکیه به عنوان پلی بین دو قاره اروپا و آسیا واقع شده است و اروپا را به منطقه استراتژیک خاورمیانه متصل می‌سازد.

ب) وجود نفت در منطقه خاورمیانه و بحران‌های متعدد، شرایطی را ایجاد کرده که بر اهمیت ترکیه در نظر غرب افزوده است.

ج) موقعیت جغرافیایی ترکیه به شکلی است که دریای سیاه را از طریق تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره به دریای اژه و دریای مدیترانه وصل می‌نماید. ترکیه در ترانزیت کالاهای مصرفی



اروپا به کشورهای خاورمیانه نیز نقش مهمی را ایفا می‌نماید. عضویت ترکیه در ناتو به علت وحشت از شوروی در دهه ۵۰ نیز یکی دیگر از عوامل اهمیت آن در منطقه است.

د) ترکیه در حال حاضر در میان مناطق بحرانی قفقاز و آسیای مرکزی، عراق و اکراد و کشورهای اروپای شرقی قرار گرفته است و همین موضوع باعث توجه بیشتر کشورهای غربی به ترکیه شده است.

ه) مسئله «همسایگی» ترکیه خود باعث بروز مشکلات داخلی برای این کشور بوده است. در واقع می‌توان گفت ترکیه با تمام کشورهای همسایه خود دارای مشکلاتی بوده که این امر بیشتر به وجود مشکلات در دستگاه سیاست خارجی آن کشور باز می‌گردد و همین امر باعث به وجود آمدن معضلات امنیتی برای این کشور شده است. ترکیه با یونان بر سر ادعای مالکیت بر جزایر واقع در دریای اژه و خط ساحلی و منطقه قبرس در یک منازعه جدی به سر می‌برد، که این مشکل حتی به داخل ناتو نیز کشیده شده بود. مشکل آنکارا با ایروان نیز یک مشکل جدی می‌باشد. دولت ترکیه با کشورهای عراق و سوریه همیشه بر سر مسئله آب و مسئله اکراد درگیر بوده است و این دو مشکل در کوتاه مدت قابل حل نمی‌باشد.

### نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

ترکیه از لحاظ جغرافیایی موقعیت ممتازی را جهت دسترسی کشورهای غربی به کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی فراهم نموده است. در طول جنگ دوم خلیج فارس (جنگ متحدان غربی و عراق) ترکیه با در اختیار گذاشتن پایگاه به آمریکا نقش مهمی را در سرکوب رژیم عراق ایفا نمود. ترکیه دارای منابع طبیعی و معدنی غنی می‌باشد که تاکنون از آنها بهره‌برداری کافی نشده است. مواد معدنی که در ترکیه تولید می‌شود عبارت است از: آهن، سرب، قلع، جیوه، کرم، منگنز، سولفور، مواد سوختنی، ذغال سنگ و لیگنیت. (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۲۴).

ترکیه با وجود مشکلاتی که برایش پیش آمده بود، به تدریج روند رشد اقتصادی، علمی و صنعتی را ادامه داد، و در دهه اخیر با تحولات فرهنگی - سیاسی ویژه‌ای روبه‌رو گردیده است. این کشور با وضعیت فعلی و موقعیت ویژه خود می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در مسائل منطقه ایفا کند. به نظر می‌رسد تأکید مسلمانان بر پیاده کردن اسلام در ابعاد وسیع‌تر و تصمیم حاکمان فعلی بر حمایت از آن، آینده خوبی را برای مردم مسلمان ترکیه و حتی همسایگان نوید می‌دهد.

## بنگلادش

### ۱- اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

بنگلادش به رغم کمی وسعت، به علت قرار داشتن در جنوب شرقی آسیا و شمال اقیانوس هند از نظر استراتژیکی از موقعیت خاصی برخوردار است. این کشور از یک سو مد نظر ابرقدرت‌ها و از سوی دیگر، مورد توجه کشورهای همسایه و همجوار مانند هند، پاکستان و چین می‌باشد. بنگلادش، زمانی به عنوان بخشی از ایالت بنگال هند محسوب می‌گردید. پس از استقلال پاکستان، بنگال شرقی از هند جدا و به عنوان پاکستان شرقی به کشور پاکستان ملحق گردید. جدایی دو بخش پاکستان از یکدیگر، مسائل و مشکلات فراوانی را برای آنها به دنبال داشت، تا آن‌که در سال ۱۹۷۱ بنگلادش از پاکستان جدا گردید و به صورت کشور مستقلی در آمد. بنگلادش به علت همسایگی با ایالات بنگال غربی، آسام و تریپورای هند برای این کشور اهمیت ویژه‌ای دارد.

جمهوری خلق چین به علت مشکلات و مسائلی که با کشورهای منطقه هندو چین دارد و به سبب عدم دسترسی به اقیانوس هند سعی می‌کند با کسب امتیازاتی از بنگلادش امکان دسترسی به آبهای اقیانوس هند را برای خود فراهم نماید. از طرف دیگر، بنگلادش با داشتن ارتشی بزرگ می‌تواند متحد نظامی مهمی برای هر یک از کشورهای همسایه محسوب شود.

### ۲- نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

بنگلادش به رغم مساحت کم و محصور شدن به وسیله هند، از سه جهت در کنار خلیج بنگال قرار دارد و از این نظر می‌تواند با اقیانوس هند و راه‌های مختلف آبی دنیا در تماس باشد و این امر اهمیت ویژه‌ای برای این کشور دارد.

همچنین رودخانه‌های پر آب و متعدد این کشور راهی ارتباطی را در درون کشور تشکیل داده است. علاوه بر این، رودخانه‌ها به کشاورزی این کشور کمک فراوانی می‌نماید، ولی عدم استفاده صحیح از آنها و جاری شدن سیل‌های فراوان در طول سال موجب شده است که این منبع طبیعی خسارت‌هایی برای این کشور به همراه داشته باشد. وجود این رودخانه‌ها یکی از عواملی است که دولت‌های مختلف باید در برنامه‌ریزی‌های خود به مسائل ناشی از آنها توجه ویژه داشته باشند.

از منابع طبیعی دیگر این کشور گاز می‌باشد، که می‌تواند در پیشرفت و توسعه بنگلادش نقشی مهم ایفا نماید. ذخایر گاز فراوان می‌تواند جای‌گزین دیگر مصارف انرژی در بنگلادش گردد و از واردات انرژی جلوگیری کند. دولت این کشور این مسئله را مورد توجه خود قرار داده است.

اراضی جنگلی بنگلادش که حدود ۱۴٪ کل اراضی این کشور را تشکیل می‌دهد بیش از ۷۵٪ مصرف انرژی این کشور را به صورت سنتی تأمین می‌نماید، ولی با افزایش جمعیت، این اراضی برای کشت محصولات غذایی تسطیح می‌شود و در عین حال، تهیه چوب برای اهداف سوختی به ۱۶٪ حجم انرژی قبل می‌رسد.

منابع ماهی‌گیری داخل بنگلادش که از جمله غنی‌ترین منابع جهان است، دارای شرایط اکولوژیک مطلوبی است و منبع غنی پروتئین این کشور می‌باشد. این منبع حدود ۵۶٪ از کل مصرف پروتئین در بنگلادش می‌باشد. ماهی‌گیری حرفه‌ای برای امرار معاش بسیاری از مردم این کشور است. (فرزین‌نیا، ۱۳۷۴، ص ۲۹-۳۱).

بنگلادش به کمک همه کشورهای اسلامی نیاز دارد تا درخشش بیشتری پیدا کند. با این وصف، با موقعیت ویژه‌ای که دارد، به ویژه از بعد جمعیت‌شناسی، می‌تواند پیشگام وحدت و هم‌دلی با کشورهای همسایه باشد و از تجربیات دیگران استفاده کرده، با رفع اختلافات، موجبات ترقی و سعادت خود و آنها را فراهم سازد.

## برونئی

### اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

برونئی کشوری مسلمان و ثروتمند است. این سلطان‌نشین کوچک ترین و ثروتمندترین کشور جنوب شرقی آسیا است. برونئی با جمعیت ۳۳۸ هزار نفری خود، از نظر جمعیتی کوچک‌تر از متوسط شهرهای اروپایی و آمریکایی می‌باشد. این کشور به صورت باریکه‌ای جنگلی در شمال غربی سواحل جزیره برونئی می‌باشد. این سلطان‌نشین در حدود ۵۷۶۵ کیلومتر از زمین‌های مقابل سواحل جنوبی دریای چین را در برمی‌گیرد و حاشیه‌های آن توسط ایالت ساراواک مالزی احاطه شده است. این شکل جغرافیایی وضعیت این کشور را مشکل می‌نماید، به این دلیل که برونئی عملاً از دو باریکه تشکیل می‌شود که توسط یک راهرو باریک به هم متصل می‌گردند و یکی از این دو باریکه مورد ادعای کشور مالزی می‌باشد.

جنگل‌های انبوه قسمت میانی این کشور می‌تواند بهترین وسیله جهت دفاع در مقابل یک تهاجم از ساحل باشد، هر چند این امر در عمل، برای انگلیسی‌ها در مورد حمله ژاپن‌ها در سال ۱۹۴۱ کارساز نبود و سنگاپور به تصرف ژاپنی‌ها درآمد.

با توجه به اهمیت این منطقه از نظر استراتژیک که همواره دست‌خوش چالش‌های سیاسی بین قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و چین می‌باشد، نقش استراتژیک کشور کوچک برونئی را نمی‌توان نادیده گرفت. به همین جهت ایالات متحده آمریکا به دنبال برقراری روابط بیشتر با برونئی است و از مدت‌ها قبل به طور سالانه مانور نظامی با عنوان king fisher در برونئی توسط نیروهای آمریکایی اجرا می‌گردد. پس از برچیده شدن پایگاه دریایی سوییک آمریکا از فیلیپین، برونئی نیز به عنوان یکی از گزینه‌ها برای تأسیس پایگاه آمریکا مطرح بود، ولی در جولای ۱۹۹۱ وزیر خارجه برونئی شاهزاده محمد بولکیاه احتمال ایجاد پایگاه‌های دریایی آمریکا را در برونئی به طور رسمی تکذیب کرد. برونئی پس از خروج نیروهای انگلیسی از هنگ کنگ، هم اکنون به عنوان مهم‌ترین پایگاه زمینی این کشور در کل منطقه آسیا و اقیانوسیه می‌باشد.

### نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

برونئی به یک کشور ثروت‌مند مشهور است. تخمین زده می‌شود که ذخایر نفتی برونئی می‌تواند این کشور را به خوبی به قرن آینده هدایت کند و فروش گاز مایع طبیعی به ژاپن و کره جنوبی دیگر منبع بزرگ درآمد آن کشور می‌باشد. ساکنین برونئی دارای یکی از بالاترین استانداردهای درآمد سرانه در جهان هستند و این مسئله با نوسانات قیمت نفت بستگی تنگاتنگ دارد.

درآمدهای حاصل از این منابع طبیعی می‌تواند دلیل کافی برای وارد کردن این کشور به جنگ باشد. در سال‌های اخیر منافع ملی برونئی به طور فزاینده‌ای بر روی دریا متمرکز شده است. این کشور به طور اساسی وابسته به تجارت دریایی است. تمام صادرات و ۸۰٪ از واردات این کشور از طریق دریا و در امتداد خطوط استراتژیک ارتباطی که از جنوب به دریای چین و از غرب به سنگاپور و از شمال به ژاپن امتداد می‌یابد انجام می‌شود.

پنج حوزه از هفت حوزه نفتی این کشور که توسط شرکت نفت شل برونئی اداره می‌شود، در دریا قرار دارد. به علاوه، برونئی منطقه‌ای را نیز به نام Exclusive Economic Zone (EEZ) به عنوان منطقه اقتصادی اعلام نموده است و توسط اعلامیه ۱۹۵۴ برونئی فلات قاره خویش را به عمق

۵۹۵ پا افزایش داده که به همین وسیله ۱۴۷۶۲ کیلومتر مربع به منابع اصلی این کشور اضافه شده است. در سال ۱۹۸۴ برونئی به تبعیت از سایر دولت‌های ساحلی، منطقه اقتصادی خویش را تا آبهای با عمق ۲۰۰ کیلومتر اعلام نمود.

همین مسئله، حاکمیت دریایی این کشور را چهار برابر و منافع این کشور را تا مجمع‌الجزایر اسپراتلی گسترش داد و این کشور را در رویارویی با منافع سایر کشورهای مدعی این جزایر، یعنی فیلیپین، مالزی، ویتنام، چین و تایوان قرار داد. هر یک از این کشورها مدعی تمامی و یا بخشی از مجمع‌الجزایر اسپراتلی می‌باشند.

جمهوری خلق چین مدعی تمام جزایر تا عمق ۲۰۰ کیلومتری جنوب دریای چین می‌باشد. در حقیقت، ادعای قلمرو دریایی کشور چین تا ۲۰ مایلی سواحل برونئی را شامل می‌گردد.

چینی‌ها معتقدند کلیه منابع ثروت جنوب دریای چین متعلق به آنها می‌باشد و در گذشته به دلیل ادعای مالکیت بر برخی جزایر با ویتنام وارد جنگ شدند و اخیراً به تحکیم مواضع خویش در همان منطقه پرداخته‌اند.

این خطر وجود دارد که کشورهایی مانند چین مدعی منافع خویش در حوزه دولت‌های محلی گردند.

به همین دلیل نیروی نظامی سلطنتی برونئی (RBAF) در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری یافته و این کشور به دنبال ترتیبات جدید امنیتی مطمئن به ویژه از طریق مجموعه ترتیبات امنیتی آسه آن (ARF) می‌باشد. (شهریاری، ۱۳۸۱، ص ۱۳-۱۵).

تهدیدات کشورهای بزرگ و همسایه، برونئی را وادار می‌کند که خردمندانه‌تر از گذشته عمل کرده، با کشورهای اسلامی ارتباط تنگاتنگ سیاسی - اقتصادی داشته باشد و بخشی از درآمدهایش را برای سامان دادن به چالش‌های اقتصادی دیگر کشورهای اسلامی صرف کند. اگر هویت اسلامی مسلمانان برونئی حفظ شود، این کشور کوچک می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه داشته باشد.

## بحرین

### اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

کشور بحرین از دیرباز از نظر موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی و قرار گرفتن در کنار خلیج فارس از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. این کشور به دلیل ثروت سرشار آن به خصوص در صید

مروارید از قدیم محل تردد کشتی‌های خارجی بوده است؛ هم‌چنین در اوج رقابت کشورهای اروپایی بر سر مستعمرات بحرین، صحنه جنگ و ستیز بین انگلیسی‌ها از یک سو و پرتغالی‌ها - که این جزایر را در اوایل قرن شانزدهم به اشغال خود در آوردند - از سوی دیگر بوده است.

پس از این‌که شبه قاره هند یکی از مستعمرات مهم امپراطوری بریتانیا گردید، بحرین به عنوان راه ارتباطی بین اروپا و خاور دور اهمیت ویژه‌ای یافت. از نظر تجارت، به دلیل موقعیت مناسب آن به لحاظ قرار گرفتن بر سر راه تجارت بین النهرین و هندوستان، به عنوان مرکز تجارتی ایفای نقش می‌نمود. موارد زیر اهمیت این کشور را روشن می‌نماید:

- موقعیت بحرین به عنوان یکی از راه‌های مهم ارتباطی بین اروپا و هند به ویژه در دوران استعمار انگلستان بر شبه قاره هند.

- بحرین در سال ۱۹۳۵ یعنی قبل از جنگ جهانی دوم و قبل از به استقلال رسیدن، به عنوان کشور دارای پایگاه‌های نظامی، اهمیت ویژه‌ای داشته است.

- اهمیت بحرین به عنوان مرکز سرمایه‌گذاری‌های خارجی در منطقه تا دوره بعد از استقلال این کشور.

- اهمیت بحرین به عنوان یک مرکز تجاری و راه ارتباطی بین خاور دور و شبه قاره هند و نیز بین کشورهای خاورمیانه.

موقعیت استراتژیک این مجمع‌الجزایر با ایجاد ارتباط زمینی با خاک عربستان سعودی از طریق احداث پلی به طول ۲۵ کیلومتر که در سال ۱۹۸۶ افتتاح شد و هزینه آن را عربستان سعودی تأمین کرد، تقویت شده است؛ از این رهگذر، بحرین برای اولین بار در تاریخ خود، صاحب مرز زمینی شد. احداث این پل و ایجاد چنین ارتباطی، نقش مؤثری در زمینه‌های مختلف به ویژه از نظر سیاسی، امنیتی و اقتصادی، داشته است و به دلیل اهمیت فوق‌العاده نظامی - سیاسی آن در دفاع از حریم دو کشور، می‌توان از آن به عنوان یک نقطه سوق الجیشی مهم نام برد.

### بحرین و پایگاه‌های نظامی آمریکا

بنادر بحرین همیشه محل رفت و آمد کشتی‌های جنگی آمریکا، انگلستان و فرانسه بوده است. علاوه بر این، آمریکا دارای یک پایگاه مهم دریایی به نام «الجفیر» است که انگلیسی‌ها آن را در سال ۱۹۳۵ احداث کرده و پس از تخلیه، در اختیار آمریکایی‌ها گذاشته‌اند. این پایگاه بعد از پایگاه

دیگوگارسیا در اقیانوس هند، بزرگ‌ترین پایگاه دریایی آمریکا در منطقه محسوب می‌شود. پایگاه الجفیر، تا سال ۱۹۷۱ در اختیار انگلستان قرار داشت و در دسامبر ۱۹۷۱ یعنی چهار ماه پس از استقلال بحرین، به دنبال موافقت‌نامه‌ای که بین سفارت آمریکا و رژیم بحرین امضا شد، همراه با امتیاز استفاده از کلیه تسهیلات بندرگاه جفیر و فرودگاه و اسکله بندر سلمان و سایر تسهیلات بندری در مقابل ۲۵ لیره لسترلینگ به آمریکا واگذار گردید. البته گفته می‌شود که نیروهای آمریکایی حتی قبل از خروج انگلیسی‌ها از بحرین، از این پایگاه استفاده می‌کردند.

امضای این موافقت‌نامه تا مدت‌ها از سوی دولت بحرین پنهان نگاه داشته شد تا این‌که در تاریخ ششم ژانویه ۱۹۷۲، نیویورک تامیز متن کامل آن را منتشر نمود. در اکتبر ۱۹۷۳ با شروع جنگ اعراب و اسرائیل، بحرین برای نشان دادن هم‌بستگی خود با سایر کشورهای عربی و مقابله با سیاست جانب‌داری آمریکا از اسرائیل، موافقت‌نامه را به طور یک‌جانبه فسخ کرد و از آمریکا خواست تا حداکثر ظرف یک سال پایگاه خود را تخلیه نماید، ولی پس از چندی ظاهراً به دلیل تعدیل سیاست‌های آمریکا موضوع منتفی گردید.

در حال حاضر یکی از پایگاه‌های بزرگ نظامی آمریکا در منطقه پایگاه الجفیر در بحرین می‌باشد. این پایگاه مرکز اطلاعات و عمده‌ترین مرکز فرماندهی نیروی دریایی آمریکا بین فیلیپین و دریای مدیترانه و همچنین مرکز فرماندهی خاص خاورمیانه محسوب می‌شود.

از سال ۱۹۸۵ به بعد تحرکات آمریکا به تدریج در این پایگاه افزایش یافت به طوری که در سال ۱۹۸۷ آمریکا مبادرت به تخلیه انواع وسایل و تجهیزات نظامی در بحرین نمود و به تعداد ناوهای جنگی و پرسنل نظامی خود در این امیرنشین افزود. علاوه بر این پایگاه دریایی، آمریکا دو مرکز نظامی دیگر به نام‌های «المحرق» و «الهمله» در بحرین دارد که هر دوی آنها در اختیار نیروی واکنش سریع آمریکا است. ( Foreign Report , Jun . 11 , 1987). بیش از ۱۵۰ مشاور نیروی دریایی آمریکا و وابستگان آنها و حدود ۳۰۰۰ سرباز نیروی دریایی آمریکا با خانواده‌های خود در بحرین بسر می‌برند. (نیویورک تایمز، ۳۰ ژانویه ۱۹۹۶)

### نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

مجمع الجزایر بحرین مرکز مهمی جهت صید مروارید و ماهی محسوب می‌شود. با رشد جوامع ثروت‌مند بین النهرین و رونق روز افزون تجارت مروارید، مردم این منطقه نیز از ثروت خوبی

برخوردار شده و توانستند به وضعیت مطلوبی دست یابند. آثار به جای مانده در قریه سار و نیز وجود قلعه‌های قدیمی بحرین این ادعا را ثابت می‌کند.

ترقی و توسعه بحرین در واقع زمانی بیشتر شد که قبایل هند و اروپا به جنوب و غرب آسیا سرازیر شده و تمدن‌ها و شهرهای موجود را تخریب کردند. این امر موجب شد تا تجارت عمده مس معادن عمان با هند تقریباً متوقف شود و با رکود بازار تجاری منطقه، مردم به تولیدات داخلی و نیز صید مروارید و ماهی روی آورده و در این خصوص به صورت قابل توجهی پیشرفت نمودند. اشتغال ساکنین این جزیره به صید مروارید باعث شده تا مردم تماس بیشتری با جهان خارج (حتی بیش از دیگر کشورهای همسایه) داشته باشند و این عامل بر افزایش جمعیت این کشور تأثیر گذاشته است.

اگر چه بحرین از نظر جمعیت و وسعت کوچک‌ترین کشور حاشیه خلیج فارس است، ولی نزدیکی آن به سواحل ایران و اکتشاف چاه‌های نفت و وجود چشمه‌های آب شیرین، از دیرباز بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی آن افزوده است. به همین دلیل این کشور تا مدت زیادی و حتی پس از استقلال هم‌چنان تحت نفوذ انگلستان قرار داشت.

شهرت بحرین به تجارت و امور پولی بین‌المللی، بی‌ارتباط با مسئله نفت نیست. موقعیت این کشور در قلب کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس، آن را تبدیل به مکان مناسبی برای جذب پول‌های به دست آمده از فروش نفت به شبکه‌های بین‌المللی بانکی و پولی نموده است. (سیف افجه‌ای، ۱۳۸۱، ص ۱۹-۲۲).

عدم دخالت بحرین در برخی از مناقشات منطقه‌ای، گامی مثبت برای این کشور جهت توسعه روابط میان کشورهای اسلامی به شمار می‌رود، اما وجود پایگاه نظامی آمریکا در بحرین، مایه تأسف و سرشکستگی این کشور و مسلمانان می‌باشد. اگر بحرین بخواهد به انسجام کشورهای اسلامی کمک کند، باید از فراهم‌سازی امکانات برای بیگانگان بپرهیزد و منطقه را از وجود پایگاه‌های نظامی پاکسازی نماید.

## الجزایر

اهمیت استراتژیک کشور الجزایر در منطقه شمال آفریقا

از آن جا که «الجزایر» جزئی از مدیترانه است، برای پی بردن به اهمیت استراتژیکی این کشور در



منطقه شمال آفریقا، لازم است شمه‌ای از وضعیت مدیترانه آورده شود، سپس نکاتی درباره‌ی الجزایر یادآوری گردد.

دریای مدیترانه سه قاره و دو اقیانوس را به هم پیوند داده و یکی از مهم‌ترین دریاهای جهان شناخته می‌شود. علاوه بر تراکم جمعیت و وجود فرهنگ‌ها و نظام‌های مختلف سیاسی - اقتصادی، وجود حدود ۷۰۰۰ مایل (۱۱/۲۰۰ کیلومتر) ساحل، این دریا را به نظامی‌ترین منطقه دنیا تبدیل نموده است و قوای دریایی بیش از پانزده کشور (شامل سه کشور خارجی روسیه، آمریکا و انگلستان) در آن حضور دائم داشته و دارند.

دریای مدیترانه جلوه‌گاه رقابت شرق و غرب، اختلاف اعراب و اسرائیل و تقابل ممالک صنعتی درحال رشد در دو سوی دریاست. هم‌چنین منطقه خاورمیانه سال‌های متمادی محل نزاع و کشمکش بسیار بوده است.

الجزایر به دلیل در اختیار داشتن منابع نفتی و منابع معدنی مرکزی بود که کشور استعمارگر فرانسه می‌توانست از آن‌جا بر جبهه آزادی‌بخش اریتره و جبهه ملی آزادی بخش چاد اشراف داشته باشد؛ از طرف دیگر، به جهت دستیابی به پایگاه‌هایی برای مقابله با استعمار انگلیس، که این کشور نیز در آفریقا در همسایگی الجزایر مستعمراتی داشت، این سرزمین از دیرباز زیر چکمه فرانسوی‌ها بوده و همانند همسایگانش تاخت و تازهای متعددی را به خود دیده است. این جریان تاریخی در عین حال متأثر از ویژگی گستردگی این سرزمین است که به هر یک از گروه‌ها اجازه داده تا مدتی طولانی نوعی خودمختاری نسبی را حفظ کنند و بعد از یک دوره مقاومت طولانی، به قوانین تازه رسیده گردن نهند.

الجزایر باوسعتی معادل پنج برابر کشور فرانسه همواره در معرض هجوم نیروهای مرکز گریز قرار داشته است و این امر استقرار یک حاکمیت مرکزی نیرومند را در این سرزمین به تعویق انداخته است. در طول تاریخ، مناطق و قبایل در این سرزمین نقش بسیار مهمی را ایفا کرده‌اند. پیمان‌ها و منازعات این قبایل تابع ترکیب پیچیده‌ای از ملاحظات سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا مالی بوده است، که گاهی آنها را به حاکمیت مرکزی نزدیک و گاهی از آن دوره کرده است. هدف از اشغال الجزایر از سوی فرانسه که در زمان ناپلئون، به دلایل سیاسی، اقتصادی و نظامی صورت گرفت، این بود که این کشور به جناح راست خود برای حرکت‌های گسترده به سمت اروپا امنیت بخشد.

بعدها این سرزمین تکیه‌گاه ژئوپلیتیکی فرانسه در مدیترانه جنوبی گردید. الجزایری‌ها بعد از

استقلال، اقداماتی برای احیای زبان ملی خود (عربی) به عمل آوردند. عربی کردن زبان در سال‌های آغازین دهه ۹۰ در تحصیلات ابتدایی و متوسطه به پایان رسید و هم‌اکنون در تحصیلات عالی در حال تکمیل است. این امر مسائل متعددی به بار آورده است؛ توقف آموزش زبان‌های بربری و اعمال محدودیت در مورد آموزش و بی‌اعتنایی نسبت به طریقه کلاسیک آموزش، از جمله این مسائل می‌باشد.

در پایان قرن بیستم گرچه اسلام‌گرایان مغربی دارای استراتژی‌هایی جهت در دست گرفتن حاکمیت بوده و قادرند توده‌های مردم را به شکلی دقیق بسیج کنند، ولی از آن‌جا که محور قرن بیست و یکم را عامل اقتصادی تشکیل می‌دهد و این اقتصاد به سرعت از طریق قلمروهای ژئوپلیتیکی به سمت جهانی شدن پیش می‌رود و نیز با توجه به جهانی شدن دو پدیده مهم دیگر، یعنی تکنولوژی و ارتباطات، به نظر می‌رسد که شمال آفریقا، یعنی غرب جهان اسلام، تحت تأثیر این پدیده‌های جهانی قرار گیرد. (مجیدی سورکی، ۱۳۸۱، ص ۱۱-۱۲).

این کشور مسلمان پس از طی فراز و نشیب‌های فراوان، اینک نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه برای از بین بردن سلطه استعمارگران دارد. اتحاد کشورهای اسلامی و انسجام دینی و هماهنگی بیشتر در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی، می‌تواند بر قدرت، عظمت و شکوفایی بلاد مسلمین بیفزاید. و در عصری که جهانی سازی (با مفهومی که قدرت‌های بزرگ در نظر دارند) به عنوان یک شعار از سوی استکبار جهانی مطرح است، جا دارد که مسلمانان در اندیشه جهان بزرگ مسلمانان باشند و با وحدت خویش سرزمین‌های اسلامی را حفظ کرده، قلب‌های محرومان جهان را به تصرف خویش درآورده، آنان را به اسلام دعوت کنند و سربلندی را برای همگان به ارمغان ببرند.



چنان که ملاحظه شد، در این نوشتار، تنها به بازگویی موقعیت‌های استراتژیکی برخی از کشورهای اسلامی پرداخته شد تا این مهم یادآوری شود که در سایه انسجام اسلامی می‌توان از پتانسیل موجود در جهان اسلام استفاده کرد و در مقابل استکبار جهانی قد علم نمود. شعار «انسجام اسلامی» محدود به یک منطقه یا کشور یا مذهب خاصی نیست، بلکه وظیفه دینی همه مسلمانان است تا در سایه وحدت و یک‌پارچگی به تقویت خویش پردازند و در برابر قدرت‌های باطل مقاومت نمایند.

شاید لازم به یادآوری نباشد که مسلمانان در این عصر، بیش از پیش نیاز به هم‌دلی دارند تا سپاه باطل را از پای درآورند و زمینه‌ساز وعده الهی باشند که اراده فرموده مستضعفان را حاکمان روی زمین قرار دهد و امنیت و ایمان را حاکم گرداند.

بیداری مسلمین و پی بردن آنها به توان و نیروی خود، می‌تواند گام نخست این حرکت باشد تا در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد «انسجام» بزرگ اسلامی باشیم.

### منابع و مأخذ:

- ۱- ابوالحسنی، صالح، جمهوری قزاقستان، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲- امیرشاهی، ذوالفقار، تونس، گردآوری و تنظیم: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۳- امیرشاهی، ذوالفقار، موریتانی، گردآوری و تنظیم: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۴- سیف افجه‌ای، معصومه، بحرین، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم با اضافات، ۱۳۸۱.
- ۵- شهریاری، محمدمهدی، بروئی، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۶- علی بخشی، حسن، نیجر، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۱.
- ۷- فرزین نیا، زیبا، بنگلادش، گردآوری و تنظیم: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۸- قاسمی، صابر، ترکیه، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم (بازبینی و اضافات: ابوالقاسم ملکی)، تابستان ۱۳۸۴.
- ۹- کریملو، داود، یمن، گردآوری و تنظیم: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

- ۱۰- مجیدی سورکی، علی، الجزایر، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۱۱- مسائلی، محمود، گینه، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۲- ملکی، حسین، کامرون، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۳- یگانه، عباس، عمان، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۴.

